

حکایت ۸۸ سال برگزاری «هشتم مارس» در ایران

منصوره شجاعی

تاریخ حضور فعال زنان ایران در عرصه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، تاریخی نوپا است، تاریخی که تنها یک قرن از پیدایش آن می‌گذرد اما نوع حرکت، پیشرفت و تاثیر گذاری آن موجب شده که بخش عظیمی از تاریخ معاصر ایران را شامل شود.

هرچند که تاریخ نویسان و وقایع نگاران سعی بر ناگفتن و پوشاندن نقش زنان در این میان داشته اند اما انکار نقش موثر زنان در همپایی با مشروطه خواهان و در ترویج و حفظ شاخص های مدرنیسم که ادعای مردان مشروطه بود، ناممکن است. فعالیت زنان ایران که همزمان با مبارزات مشروطه خواهی در قالب طلب حق آموزش و تحصیل و حق حضور اجتماعی برای زنان بود، پس از پیروزی مشروطه بیشتر جنبه سیاسی و اجتماعی یافت.

با پیروزی مشروطه و تدوین قانون اساسی نوین که همچون کودک مدرن دوران تحجر شناخته شد، زنان دریافتند که همچنان چون سفیه و کودک شناخته شده و از حق رای محروم مانده اند. از آن زمان تلاش های زن ایرانی بر علیه تبعیض و ستم جنسی خویش در عرصه سیاسی و اجتماعی شکل گرفت.

پایان جنگ جهانی و رفتن نیروهای متفقین از ایران، روی کار آمدن دولت پیشرو در سرزمین تزارهای روس، و همسایگی ایران با آن خطه و نیز پیروزی مدافعان حق رای زنان در سال ۱۲۹۷ در انگلستان و در سال ۱۲۹۹ در امریکا و آغاز سفر های فرهنگی به اروپا موجب شد که زنان فعال ایرانی، نسبت به مسائل و مناسبات جهانی زنان عکس العمل نشان دهند.

برپایی اولین هشت مارس در ایران در سال ۱۳۰۰، بی تاثیر از این وقایع نبود. این مراسم در رشت و به همت "جمعیت پیک سعادت نسوان" برگزار شد. اما پس از آن دیگر یاد و خاطره ای از ادامه برگزاری آن از سوی این جمعیت در دست نیست.

با به سلطنت رسیدن رضاخان پس از کودتای ۱۳۰۴، هرچند در ظاهر اتفاقاتی در جهت منافع زنان رخ داد اما جنبش واقعی زنان به تدریج به افول گرایید. (۱) و سازمان ها و تشکل های مستقل کم کم جای خود را به سازمان های فرمایشی و وابسته به دولت وقت دادند. از آن زمان دیگر سندی در برگزاری مراسمی عمومی و علنی بزرگداشت هشتم مارس در دست نیست اما برگزاری این مراسم به طور مخفیانه و خصوصی در خانه ها و منازل شخصی برخی از زنان روشنفکر برگزار می شده است.

چندسال بعد، اسناد تاریخی حکایت از برگزاری عمومی این مراسم در سال ۱۳۰۶ از سوی "سازمان بیداری زنان" دارد.

هشتم مارس ۱۳۵۷، تنها یک ماه از انقلاب می گذشت. و زنان ایرانی که پا به پای مردان خویش در مبارزات ضد استبدادی و ضد شاه مبارزه کرده و از سال ها پیش در زندان ها و شکنجه گاه های شاه به سربرده بودند، در رویارویی با فرامین ضد زن دولت انقلابی، چونان مادران خویش در دوران مشروطه دچار شوکی تاریخی شدند. این شوک هفتاد سال پیش از آن زنان

ایرانی را بهت زده ساخته بود. زنانی که برای پیروزی انقلاب مشروطه در کنار مردان به تلاش برخاسته بودند اما پس از پیروزی مشروطه همچون سفیه و کودک از حق رای محروم مانده بودند. آن روز، پس از هفتاد سال یک بار دیگر زنان تلاشگر ایرانی شاهد حذف ابتدایی ترین حقوق خویش و رانده شدن از صحنه جامعه شدند.

"هفت اسفند ۵۷ دفتر آیت الله خمینی الغای قانون حمایت از خانواده را به دادگاه ها اعلام کرد. یازده اسفند ۵۷ برای اولین بار، اعلام شد که مطابق اصول اسلامی، زنان نمی توانند قاضی باشند. پانزده اسفند ۱۳۵۷ (۶ مارس ۱۹۷۹)، دفتر آیت الله خمینی اعلام کرد که زنان می توانند به کار خارج از منزل پردازند ولی با حجاب شرعی" (۲).

همزمانی صدور این فرامین با ایام برگزاری روز جهانی زن، موجب شد که مراسم روز زن در آن سال با استفاده از فرصت انقلابی و اعتراضی جامعه به شکل تظاهرات گسترده ای در تهران و برخی از شهرستان ها برگزار شود. این جریان اعتراضی با حملات خشونت بار طرفداران حجاب اجباری روبرو شد. این اعتراض گسترده هرچند برای مدتی کوتاه موجب عقب نشینی حاکمیت در اجباری کردن حجاب شد اما رایج شدن شعار اهانت آمیز "یا روسری یا توسری" را به عنوان هدیه این روز، به زنان برابری خواه ایران عطا کرد!!

سال بعد، مراسمی از طرف تک و توک سازمان های زنان که در کنار سازمان های سیاسی فعالیت میکردند به مناسبت روز زن برگزار شد. اما با آغاز سال ۵۹ زمزمه های انتخاب روز تولد حضرت فاطمه به عنوان روز زن در ایران آغاز شد. شروع جنگ ایران و عراق و پی آمدهای داخلی آن که وقایع هولناک دهه شصت را به دنبال داشت موجب شد که برگزاری این مراسم نیز مانند دیگر فعالیت های عمومی و اجتماعی در محاق رود. در طول دهه شصت، این مراسم در محافل خانگی زنان روشنفکر و لاییک به شکل خصوصی و حتی مخفیانه برگزار میشد.

در نیمه اول دهه هفتاد این مراسم همچنان در محافل خانگی و خصوصی برگزار میشد. از خرداد ۱۳۷۶ و روی کار آمدن دولت اصلاحات هرچند که هشتم مارس هنوز در خانه ها برگزار می شد اما شکلی گسترده تر از سابق به خود گرفت.

هشتم مارس سال ۱۳۷۸ (۲۰۰۰)، نقطه عطفی در برگزاری مراسم روز جهانی و فعالیت های علنی زنان بود. در این سال به ابتکار و دعوت نوشین احمدی خراسانی گروهی از زنان برای برگزاری علنی و عمومی هشت مارس دعوت شدند. این گروه از میان اعضای تشکل های غیردولتی محیط زیست، کودکان، زنان ناشرونیز محافل خانگی زنان انتخاب شده بودند. برای برگزاری این مراسم در سالن های عمومی نیاز به تقاضای اخذ مجوز از طرف یک نهاد رسمی بود. از آنجا که هنوز تشکل های مستقل زنان ایجاد نشده بود، این مجوز را نشر توسعه (نوشین احمدی) و نشر روشنگران (شهلا لاهیجی) گرفتند و ساختمان شهر کتاب آن سال میزبان برگزاری اولین مراسم هشتم عمومی و علنی پس از انقلاب شد.

در این مراسم علیرغم تصور برگزارکنندگان، بیش از ۱۰۰۰ نفر شرکت کردند. و انعکاس خبری نسبتا گسترده آن موجب شده که جامعه نسبت به این روز و نحوه برگزاری آن حساس شود.

در بهار همان سال ماجرای کنفرانس برلین و زندان شدن شهلا لاهیجی و مهرانگیز کار موجب شده که همان جمعی که مراسم را برگزار کرده بودند برای جمع آوری امضا برای آزادی این دو زن فعال که خود از حامیان برگزاری مراسم نیز بودند به تلاش برخیزند .

جالب است که این اولین بار بود که جمعی از زنان مستقل برای جمع آوری امضا و طلب آزادی دو زن در بند به پا خواسته بودند و این به مذاق آقایان جامعه از حکومتی و غیر حکومتی چندان خوشایند نبود. بنابراین نگرش مردسالارانه در هیئت دلسوزی و تذکر، و یا منع مستقیم یا غیرمستقیم از همه سو متوجه این بیانیه شد. و این خود درسی شد در ضرورت استقلال فعالیت های زنان و تشکیل رسمی نهادهای مستقل و مردمی زنان که خود ابتکار عمل داشته باشند.

"مرکز فرهنگی زنان" کودک زاده شده این تجربه و تجارب دیگر آن سالها بود و توانست سال بعد از آن با استفاده از مجوزی که مستقلا از سوی آن مرکز درخواست شده بود، بزرگترین و مبتکرانه ترین مراسم را در هشتم مارس ۱۳۷۹ (۲۰۰۱) در خانه هنرمندان برگزار کند. در این مراسم درکنار برنامه های متنوع موسیقی ، نمایش ، میزگرد، سخنرانی ، از زنان دربند شده کنفرانس برلین نیز حمایت علنی و رسمی به عمل آمد. سال ۱۳۸۰ مرکز فرهنگی زنان که ابتکار برگزاری علنی و عمومی هشتم مارس در تهران را داشت به سوی شهرستان ها روانه شد و اعضای این مرکز در بیشتر شهرستان های دور و نزدیک از جمله تبریز، زنجان ، اصفهان ، اهواز و... به معرفی این روز پرداختند.

در سال ۱۳۸۱ گروه های مختلف زنان با استفاده از تجربه مرکز فرهنگی زنان در پی تاسیس تشکل های مستقل زنان بر آمده بودند و آنها نیز فضاهای دانشگاهی و فرهنگسراها برای برگزاری این مراسم انتخاب کرده بودند .

این سال برای مرکز فرهنگی زنان اما ، سال محک زدن تفکر حاکم برجگونی استفاده از فضاهای باز شهری بود. این بار مرکز فرهنگی نگاه خود را بر حق شهروندی زنان در استفاده از فضاهای شهری و حضور آزادانه در تجمع های مدنی دوخت و بدین ترتیب پارک لاله را برای برگزاری این روز انتخاب کرد.

تجمع آن روز در پارک لاله تحت کنترل شدیدی نیروهای پلیس برگزار شد . این نخستین بار بود که مراسم روز جهانی زن ، در فضاهای باز شهری و خارج از سالن ها و خانه ها و به شکل اعتراضی انجام میشد.

سال ۱۳۸۲ ، اکثر گروه ها و تشکل های مستقل زنان سعی برای برگزاری این روز به سبک سال های گذشته برنامه ریزی کرده بودند. مرکز فرهنگی اما این مراسم را در دوروز ، دو موضوع مشخص و دو روش برگزار کرد. یک روز را به موضوع آموزش زنان اختصاص داد و نمایشگاهی تصویری از تاریخچه حضور زن ایرانی در مدارس و مراکز آموزشی برپا کرد و در کنار این نمایشگاه سمیناری با موضوع آموزش زنان نیز برگزار شد .

روز دوم را با موضوع خشونت در قالب تجمعی اعتراض آمیز در پارک لاله برنامه ریزی کرد که ساعتی پیش از برگزاری این تجمع ؛ لغو مجوز آن شفاهی و از طریق تلفن به مسئولان اطلاع داده شد. اما اعضای مرکز فرهنگی زنان با کپی گرفتن از

مجوز به تعداد تمامی اعضا، به محل برگزاری تجمع رفتند و در آن جا با خشونت پلیس و دستگیری تعدادی از شرکت کنندگان مواجه شدند.

سال ۱۳۸۳، تعداد گروه هایی که به برگزاری هشتم مارس اقدام کرده بودند افزایش یافته بود و اکثر گروه ها در تدارک برگزاری این روز بودند به طوری که افرادی که علاقمند به شرکت در برنامه گروه های مختلف بودند از برگزارکنندگان میخواستند تا هر کدام مراسم را در زمانی برگزار کنند که با دیگری تداخل زمانی نداشته باشد.

مرکز فرهنگی زنان در جشن روز جهانی زن این سال، تاسیس کتابخانه زنان صدیقه دولت آبادی رانیز اعلام کرد. و از آن سال به مناسبت همان روز جایزه ای برای اثر برگزیده حوزه مطالعات زنان در نظر گرفت. بحث اعطای جوایز به آثار برگزیده بحث جدیدی نبود اما اختصاص یک جایزه برای کتابی در حوز مطالعات زنان و با تاکید بر دیدگاه فمینیستی اثر و برگزاری آن در روز جهانی زن ابتکاری نوین بود که تا به امسال نیز ادامه داشته است.

هشتم مارس ۱۳۸۴، به دعوت " حرکت جهانی زنان " و گروه هم اندیشی زنان " که اکثر تشکل های زنان را شامل میشد تجمعی در پارک دانشجو برنامه ریزی شده بود که پس از دقایق اولیه توسط پلیس به خشونت کشیده شد. در آن روز "سیمین بهبهانی" شاعر سالخورده و مبارز ایرانی در کنار زنان و دختران جوانی که برای برگزاری مدنی و آرام این روز بزرگ جمع شده بودند از سوی ماموران انتظامی مورد ضرب و شتم قرار گرفت. اما مراسم جایزه کتاب تندیس صدیقه دولت آبادی و مراسم خانگی دیگر، جسته و گریخته برگزار شد.

سال ۱۳۸۵، یک هفته مانده به هشتم مارس، ۳۳ نفر از زنان فعال در مقابل دادگاه انقلاب دستگیر شدند. این گروه که برای حمایت و یاری از ۵ تن از یارانشان که به دلیل برگزاری تظاهرات ۲۲ خرداد همان سال در میدان هفتم تیر در دادگاه انقلاب محاکمه می شدند، جمع شده بودند. اما نیروی انتظامی و امنیتی به بهانه واهی برهم ریختن نظم عمومی و اقدام علیه امنیت ملی آنها را دستگیر کرد. طی یک هفته ای که این افراد در زندان به سر می بردند، نیروهای امنیتی برای تشدید جو سرکوب و ارباب، شبانه به خانه چندتن از فعالان اجتماعی حمله کرده و حتی برای ممانعت از برگزاری مراسم جایزه کتاب صدیقه دولت آبادی آنها را مورد تهدید قرار دادند. (۳) در روز هشتم مارس تظاهرات زنان معلم و زنان آزادیخواه در مقابل مجلس شورای اسلامی به خشونت کشیده شد و تعداد زیادی از شرکت کنندگان دستگیر شدند. اما مراسم خانگی و خصوصی کمابیش برگزار شد.

هشتم مارس ۱۳۸۶، زنان دوباره به خانه برگشتند. اما این بار دیگر در شکل جمع های خصوصی و کوچک نبودند این بار عرصه عمومی را میهمان خانه های خویش ساخته بودند و دریغ که حتی خانه ها نیز از حمله نیروهای امنیتی در امان نماند. یکی از چندین مراسمی که در این روز برگزار شد از سوی کانون زنان ایران و مدرسه فمینیستی بود که پیش از شروع مراسم پلیس قصد ورود به منزل را داشت و سرانجام دونفر از مسئولان مدرسه و صاحبخانه را به کلانتری منطقه بردند. اما موفق به زدن برنامه نشدند و برنامه به هر طریق و تحت کنترل و فشار نیروهای امنیتی برگزار شد.

هشتم مارس ۱۳۸۷، سال خیره شدن نگاه جهانی و افکارین المللی به زنان ایران بود. این زنان به شگون و مبارکی حضور کمپین یک میلیون امضا و تلاش های شبانه روزی در این کمپین جایزه جهانی سیمون دوبوار رادر این سال از آن خود ساختند. این جایزه خاص یک یا دونفر و یک یا چند سازمان نبوده است. این جایزه متعلق به تمامی زنانی است که با عضویت، فعالیت، نوشتن مقالات، انجام مصاحبه ها، برگزاری کارگاه ها و سمینارها و حتی امضای بیانیه کمپین یک میلیون امضا، به آن معنا بخشیدند.

هشتم مارس ۱۳۸۷، سالی بود که زنان ایرانی در مقابل تشویق و قدردانی جهانی از یک سو و فشار و تهدید داخلی از دیگر سو به استقبال برگزاری این روز بزرگ رفتند.

مراسمی که در گوشه و کنار کشور پنهان و عیان قرار بود که برگزار شود با ممانعت نیروهای امنیتی مواجه شد و برخی از گروه ها و جریان ها در تهران و شهرستان ها (از جمله در اصفهان) به شکل خصوصی و محدود مراسمی برگزار کردند. اما گروه هایی که از قبل اعلام برنامه کرده و قرار بود که در محل های عمومی مراسمی برگزار کنند تقریباً بدون استثنا برنامه هایشان لغو شد. از جمله میتوان به برنامه ای در پارک ورشو که به همت کانون و کلا قرار بود برگزار شود اما ساعتی قبل از شروع با حضور نیروهای امنیتی و انتظامی به تشنج کشیده و مدعوین بارفتار خشونت بار برخی از ماموران متفرق شدند. اما به رغم همه این ها برخی از فعالان جنبش نان به استقبال ۸ مارس رفتند و در ۱۱ اسفندماه کنفرانس مطبوعاتی با عنوان «حبس فعالان زن، حبس جنبش زنان نیست» (توسط «ائتلاف گروه های جنبش زنان برای آزادی عالیه اقدام دوست») و در اعتراض به اجرای حکم عالیه اقدام دوست، و احکام حبس تایید شده برخی از فعالان جنبش زنان برگزار کردند.

در این میان کتابخانه زنان صدیقه دولت آبادی که از آغاز کار خویش مراسم سالگرد تاسیس کتابخانه و اهدای جایزه کتاب را به عنوان برنامه ویژه روز جهانی زن برگزار می کند، در این سال نیز موفق به برگزاری مراسم شد. هرچند این موفقیت به قیمت تغییر تاریخ برگزاری مراسم و محدودیت فضا برای دعوت گسترده به دست آمد لیکن به هرروی گفتن و باز گفتن از روز جهانی زن از سوی کتابخانه زنان به سکوت و خفا واگذار نشد. باری، این مراسم به علت عدم امکان استفاده از فضاهای عمومی و شرط عدم صدور مجوز برای برگزاری هرگونه مراسمی در فرهنگسراها و گالری های خصوصی، سرانجام در فضای کوچک و صمیمی کتابخانه با تعداد محدودی مدعو، دوز پیش از هشتم مارس به مناسبت روز جهانی زن برگزار شد و انعکاس مطبوعاتی نسبتاً گسترده ای داشت این پوشش خبری بدون همکاری و همیاری سایت های زنان از جمله مدرسه فمینیستی، کانون زنان ایرانی و تغییر برای برابری و یکی دو مجله و روزنامه پیشرو میسر نبود.

در کنار مراسم مربوط به جایزه کتاب و تبریک روز جهانی زن، گزارش سفر «سیمین بهبهانی» به پاریس برای دریافت جایزه «سیمون دوبوار» از ویژگی های این مراسم بود. او که همچون قاصد امین و بلند پرواز کمپین یک میلیون امضا از سوی اعضای کمپین برای دریافت جایزه سیمون دوبوار انتخاب شده بود ضمن تبریک روز جهانی زن باسخنان پرشور واز دل برآمده خویش لوح سیمین دوبوار را از سوی کمپین یک میلیون امضا به کتابخانه زنان صدیقه دولت آبادی سپرد.

در این سال، گروه دیگری نیز موفق به برگزاری مراسم شدند. آنها برعکس کتابخانه زنان که مراسم را دو روز زودتر برگزار کرده بود به برگزاری این مراسم با تاخیر دوازده اندیشیده بودند. این گروه در دفتر انتشارات روشنگران و مطالعات زنان جمع شده و به بهانه روز جهانی زن به موضوع انتخابات خرداد ماه سال پیش رو و نقش زنان در این انتخابات پرداختند و بحث «مطالبه محوری» و برنامه محوری جنبش زنان در فضای انتخاباتی را آغاز کردند. این گروه در آن آخرین روزهای زمستانی بذریاش زمین سبز و بهارانه "همگرایی جنبش زنان برای طرح مطالبات در انتخابات" ۴ شدند.

گروه زنان اسفند نیز با چاپ دفترچه هایی به پاسداشت روز جهانی زن از نگاه و رویکرد این گروه همت گمارده بود.

گروهی از زنان تبریز نیز به انتشار ویژه نامه ای با نام ویژه نامه ۸ مارس کمپین آذربایجان همت کردند.

در میان سایت های زنان، سایت مدرسه فمینیستی برای بزرگداشت این روز از هفته ها پیش از فرارسیدن روز جهانی از تعداد زیادی فعالان و صاحب نظران جنبش زنان خواسته بود که آرزوی خویش را برای "روز جهانی زن در سال آینده" بر روی کاغذ بیاورند و بدین گونه از هفته ای قبل از این روز و تا هفته ها بعد از آن نقل و سخن روز جهانی زن در فضای عمومی سایبری در قالب بیان آرزوهای زنان برای روز جهانی زن ادامه داشت.

بیانیه ۶۰۰ تن از مدافعان حقوق زنان به مناسبت روز جهانی زن: «ما به راه روشن خود ادامه می دهیم»، نیز در روز ۸ مارس در سایت های زنان منتشر شد.

سال ۱۳۸۸ با امید و شوری وصف ناپذیر در میان گروه های مختلف اجتماعی و سیاسی آغاز شد. از دست دادن فرصت های دوران اصلاحات که شکست نیروهای مترقی و مدنی در انتخابات سال ۱۳۸۴ را در پی داشت و فشارهای چهارساله دولت نهم موجب شد که جریان های مختلف اجتماعی علیرغم مشکلات و موانع بیرونی، ضرورت نقد از درون را نیز حس کرده و به تفکری عمیق تر در بهره گیری از فرصت های هرچند اندک، استفاده از تاکتیک های مقطعی و همچنین اندیشیدن به افعال اجتماعی و مدنی بطئی و ماندگار وا داشته شوند. همراهی پرننگ مردم خسته از فشارها و تنگناها با امید دستیابی به آرامش و امنیت و رفاه در کنار این نیروهای فعال و شناخته شده، تکثر و آرایشی جدید در میان گروه های اجتماعی ایجاد کرد تا آنجا که نوعی "سونامی" سرمایه اجتماعی در جامعه سرازیر شد که حضور موثر و پرننگ گروه های زنان به ویژه در ائتلاف "همگرایی جنبش زنان برای طرح مطالبات در انتخابات" بخش عمده این سرمایه اجتماعی را تشکیل میداد.

اما دریغ که این بخش تعیین کننده، از همان فردای انتخابات آماج حمله های خشونت بار حاکمیت شد. یکی جان داد و دیگری روانه سلول های اوین و زندان های دیگر شد، یکی از کار و شغل اش اخراج شد و دیگری ممنوع خروج شد، یکی به اجبار بار سفر بست و دیگری سرگردان و حیران از خانه و کاشانه دور شد یکی ماند و دیگری به دلگرمی او مصمم ادامه داد... و حالا در آستانه هشتم مارس همچنان جسورانه و محق هرچند که چونان جزیره ها یی دوراز هم، اما هنوز نشسته بر

دریای آرام و بی خشونت جنبش زنان در پی یافتن راهی زنانه و مدنی برای برگزاری جشن روز جهانی امان هستیم تا که
ترنم آوای آرام امان شکوه سرود خوش آهنگ این روز را دوچندان کند.
روز جهانی زن بر زنان سخت کوش و شورمند ایران و خواهران جهانی اشان مبارک باد.

• اطلاعات و گزارش های این مقاله به ویژه در مورد سال های اخیر، بیشتر شهر تهران را پوشش داده است.

پانویس:

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رجوع کنید به : جنبش حقوق زنان در ایران ... الیز ساناساریان. ترجمه نوشین احمدی خراسانی. تهران : نشر توسعه. ۱۳۸۴. فصل ۴.
۲. نامه زن: خیرنامه داخلی مرکز فرهنگی زنان ش. ۶. سال ۱۳۸۵. صص. ۲۱-۱۵
۳. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به مقالاتی که در آن زمان در سایت های زنستان، کانون زنان و... درج شده. از جمله : " گریستن در محضر مردم ". منصوره شجاعی. زنستان.
۴. زنگ چهارم " نشریه داخلی مدرسه زنان ". تهران : مدرسه فمینیستی ، زمستان ۱۳۸۸.

بر گرفته از: سایت هرانا